

*Research Article*

## Semantic Dimensions of the Syntactic-Rhetorical Roles of the Word Hereafter in the Holy Quran

Zahra Jalili

### Abstract

The Hereafter has been repeated one hundred and thirteen times in the Holy Quran. And communicates a Divine message in different syntactic roles like a subject, predicate, adjective, object, etc. And paying attention to these different combinations has a significant effect on the meanings derived from the verses. The main question of this article is what attention to morphological and syntactic issues change the meaning of the Hereafter. Our method to answer this question is a descriptive-analytical method based on library resources. First, some verses in which the word of the Hereafter is mentioned are extracted, and then, according to the relevant interpretations and books, its semantic changes are examined. The purpose of this study was to become more familiar with the word hereafter in the divine word. Among the most important results of the research, we can mention some points. Instability has been explained by the present verb and stability has been described by the nominal sentences. The verses that the wise man intends to rule on the Hereafter and emphasize on it, the Hereafter comes from the beginning because the beginning is condemned against and in the verses where the allocation of the Hereafter is desired, it is given as the beginning of the latter to indicate the allocation. The Hereafter is in its additional role, to show the meanings of property and capacity, and honor and these meanings are not expressed with a descriptive role. The Hereafter in the passive role binds the news and therefore increases the usefulness of the word. The appearance of various names of God in the Qur'anic verses is by following the context of the verses.

**Keywords:** Holy Quran, Hereafter, Syntactic Meanings of Hereafter, Rhetorical Meanings of Hereafter

**How to Cite:** Jalili Z., Semantic Dimensions of the Syntactic-Rhetorical Roles of the Word Hereafter in the Holy Quran, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2024;14(56):807-827.

---

Assistant Professor, Department of Humanities, Faculty of Persian Literature and Foreign Languages, Payam Noor University, Tehran, Iran

**Correspondence Author:** Zahra Jalili

**Email:** z.jalili@pnu.ac.ir

**Receive Date:** 2023.12.09

**Accept Date:** 2024.03.12

## ابعاد دلالتی نقش‌های نحوی - بلاغی واژه آخرت در قرآن کریم

زهرا جلیلی

### چکیده

آخرت از کلماتی است که در قرآن کریم صد و سیزده بار تکرار شده و بنا بر اقتضای حال، در نقش‌های متفاوت نحوی هم چون مبتدا، خبر، صفت، مفعول پیام الهی را ابلاغ می‌کند و توجه به این ترکیب‌های مختلف، تاثیر بسزایی در معانی برگرفته از آیات دارد. سؤال اصلی این جستار آنست که توجه به مسائل صرفی و نحوی چه تغییری در معناشناسی آخرت ایجاد می‌کند. روش ما برای رسیدن به پاسخ این سؤال، روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای است ابتدا برخی از آیاتی که کلمه آخرت در آن آمده، استخراج گردید و آنگاه با توجه به تفاسیر و کتب مربوط، تغییرات معنایی و دلالتی آن بررسی شد. هدف از این تحقیق آشنایی هر چه بیشتر با واژه آخرت در کلام الهی بود. از جمله مهمترین نتایج پژوهش می‌توان به نکات ذیل اشاره داشت: معانی حدوثی آخرت در قرآن کریم با فعل مضارع بیان گشته و دلالت‌های ثبوتی آن با جمله اسمیه آمده است. در آیاتی که قصد خداوند حکمی در خصوص آخرت و تاکید بر آنست، آخرت مبتدا آمده؛ زیرا مبتدا محکوم علیه است و در آیاتی که تخصیص آخرت مورد نظر است، به صورت مبتدای مؤخر آمده تا اختصاص را نشان دهد. در آیات مذکور، مقصود از نعت آخرت غالباً توضیح موصوف است و آخرت در نقش مضاف الیهی آن، برای نشان دادن معانی ملکی و ظرفی و تعظیم مضاف است که این معانی با نقش وصفی افاده نمی‌گردد. آخرت در نقش مفعولی، مسند را مقید

نموده و فایده کلام را افزون می‌کند و آمدن اسامی گوناگون پروردگار در این آیات، متناسب با ترکیب معنایی آیات است.

### واژگان کلیدی: قرآن کریم، آخرت، دلالت نحوی آخرت، دلالت بلاغی آخرت

#### مقدمه و بیان مسئله

قرآن کتاب هدایت متقین است (بقره، ۲) و متقین، در کنار نماز و روزه و انفاق و ایمان به غیب و پیامبران علیهم السلام، به آخرت یقین دارند. از جمله نکات سازنده انسان، اعتقاد به معاد و آخرت است و حدود یک سوم آیات قرآن به آخرت یا ویژگی‌های آن اشاره دارد. کلماتی مانند برزخ، بعث، حشر، نشر، صراط، قیامت، میزان، یوم الدین، یوم الفرقان، یوم الحساب و مانند آن از جمله آنست (خراسانی، ۱۳۸۶ش، ۱۲)، ایمان به آخرت بازدارنده و محرک است. موجب خوف و ترس است و موجد شور و شوق. خوف از هر آنچه سد راه تکامل انسانی و تقرب الهی است و شوق نزدیک شدن به منبع نور زیرا ﴿اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (نور، ۳۵). این نوشتار به بررسی آیاتی از قرآن کریم می‌پردازد که کلمه آخرت در آنها به کار رفته است و برخی نکات نحوی و دلالتی آیات مذکور را برای پی بردن به عمق پیام قرآن بیان می‌نماید. مانند واقع شدن واژه آخرت در نقش‌های مختلف نحوی همچون مبتدا و خبر بودن، نقش وصفی و مضاف الیهی آن، قرار گرفتن آخرت در نقش مفعول و یا معطوف و مانند آن و بیان معانی و دلالت‌های آن که بر اثر آن نقش نحوی بر آن مترتب است. این گفتار در صدد پاسخ به این پرسش اصلی است که توجه به مسائل صرفی و نحوی در مفهوم آخرت چه تغییری ایجاد می‌کند. برای نمونه اگر آخرت مسندالیه باشد چه معنایی دارد و یا اگر در نقش صفت و یا مضاف الیه ظاهر شود معنایش چیست؟

#### پیشینه پژوهش

موضوع آخرت و شناخت آن، از جمله موضوعاتی است که از قدیم الایام مورد توجه بوده و نویسندگانی در این زمینه قلم‌فرسایی نموده‌اند. از تفاسیر و شرح آیات در باره آخرت که بگذریم می‌توان به برخی آثار در زمینه معرفی آخرت و ویژگی‌های آن اشاره نمود.

مقاله «نام‌نگاشت‌های حیات آخرت در قرآن کریم در پرتو نظریه استعاره مفهومی» تالیف زینب فیضی و همکار انتشار یافته در پژوهش‌های ادبی- قرآنی سال ۱۳۹۹ است. در این مقاله نام

نگاشت‌های حیات آخرت از منظر نظریه استعاره مفهومی بررسی شده است. نویسنده به این مطلب دست یافته که به کارگیری استعاره‌های مفهومی در تفسیر حیات اخروی تحول و انقلابی بزرگ در شناساندن جهان پس از مرگ است و با درک تناظرهای مفهومی بین دو حوزه مبدأ و مقصد می‌توان به سبک زندگی مورد نظر قرآن پی برد و در مسیر کمال که همان صراط مستقیم است حرکت نمود.

مقاله شماره ۱۰۱ دانشنامه بزرگ اسلامی که در آن، مطالبی در خصوص کلمه آخرت و وصف آمده است. در این مقاله در باره واژه آخرت آمده که کلمه آخرت مؤنث آخر به معنی پایان و جهان دیگر، در برابر دنیا قرار دارد و این کلمه در قرآن ۱۰۴ بار بدون قید و یا اضافه به کار رفته و ۹ بار صفت الدار و یا مضاف الیه آن شده است و لفظ آخرت گاه به صورت مؤنث و انفرادی آمده که یکی از واژه‌های الدار و النشأة و الحیة موصوف مقدر آن است و وصف آخرت به تبع آن مؤنث آمده است. از جمله توضیحات آمده در باره آخرت در این مقاله آنست که در آن جهان، انسانها به صورت انفرادی به پیشگاه خداوند حاضر می‌شوند و تنها با نتیجه اعمال و افکار خود سر و کار دارند.

مقاله «مشاهد الآخرة في القرآن الكريم» نوشته عوض محمد احمد کمال انتشار یافته در مجله کلیه اصول الدین عراق سال ۱۴۳۹ است. در این پژوهش نویسنده مشاهد و صحنه‌های آخرت در قرآن را نشان داده است که از جمله آن مرحله اختلال نظم آفرینش و آسمان و زنده شدن مردگان و مرحله آفرینش جدید و حساب و جزاء و نار و جحیم است. نویسنده به این نتیجه رسیده که در قرآن کریم از واژه آخرت به اسامی مختلف و اسالیب متفاوت نام برده شده و تعداد بسیاری از آیات پیرامون احوال و حوادث قیامت است و همین کثرت نشان دهنده اهمیت موضوع است. مؤلف هم‌چنین به این مطلب دست یافته که صورتی بلاغی در قرآن کریم نیست مگر آن که صحنه مخیف قیامت، توسط آن ترسیم شده است

در پیشینه‌شناسی تحقیقات با دو متغیر دلالت نحوی بلاغی و آخرت، تحقیقی یافت نشد و لذا مقاله پیش رو از این حیث، دارای اهمیت است. هدف اصلی این تحقیق آشنایی هر چه بیشتر با واژه آخرت در قرآن کریم است تا پیام الهی هر چه عمیق‌تر دریافت شود. این تحقیق از نوع پژوهش‌های نظری است که با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام

پذیرفته است. ابتدا برخی از آیاتی که کلمه آخرت در آن آمده، استخراج گردیده و آنگاه با توجه به تفاسیر و کتب مربوطه تغییرات معنایی و دلالتی آن مورد بررسی قرار گرفته است.

### مبانی نظری

یکی از دو راه بیان انواع سه گانه خبر (ابتدایی، طلبی، انکاری) جمله اسمیه است که ذاتاً افاده ثبوت می‌کند «والجمله الاسمية موضوعة لمجرد ثبوت المسند للمسند الیه» (الهاشمی، ۱۳۶۵ش، ۷۵). جمله دو رکن اصلی دارد: مبتدا و خبر و یا مسند الیه و مسند که هر کدام بنا بر مقتضای حال می‌تواند مقید و یا مطلق باشد. البته مسند الیه رکن رکن جمله است که جمله بدان نیاز مبرم دارد و لذا اصل بر آن است که ابتدا مسند الیه بیاید و بعد مسند و غالباً مبتدا معرفی است و خبر نکره زیرا اولی محکوم علیه است و دومی محکوم به و در بیان قرآن حکیم عدول از هر اصلی، متضمن امری بلاغی است (الهاشمی، ۱۳۶۵ش، ۵۵-۴۸).

قید برای اتمام فایده است و هر چه قید بیشتر باشد، اختصاص بیشتر می‌شود و هر چه اختصاص بیشتر باشد، فایده فزون‌تر می‌گردد (الهاشمی، ۱۳۶۸ش، ۱۶۴). تفتازانی در خصوص صفت آورده است: «یکی از قیود اسم، صفت است که برای مقاصدی آورده می‌شود. اگر اسم نکره باشد جهت تخصیص می‌آید و اگر معرفه باشد برای توضیح، مدح، ذم، ترحم و کشف حقیقت آن می‌آید (التفتازانی، ۱۴۱۱ق، ۵۹-۵۸).

از دیگر قیود اسم، مضاف الیه است که مانند قیدهای دیگر برای اتمام فایده سخن می‌آید و برای آن فوائدی مترتب است که از جمله آن تعظیم و تحقیر مضاف یا مضاف الیه است یا تعظیم و تحقیر غیر آن (تفتازانی، ۱۴۱۱ق، ۵۷) و کلا بردو نوع است: لفظی و معنوی. اضافه لفظی، اضافه صفت به موصوف است و اضافه معنوی، به جای حرف جر لام، فی و مِن می‌آید. لام برای اضافه ملکی، فی جهت اضافه ظرفی و مِن برای اضافه نوع جنس است. مانند غلامٌ زیدٌ که به معنی غلامٌ لزید است (شرتونی، ۱۳۶۸ش، ۴/۳۳۲-۳۳۱).

از دیگر قیود جمله می‌توان از مفعول نام برد که مانند دیگر قیدها برای اتمام فایده سخن می‌آید و دلالتی برای آمدنش آورده‌اند. از جمله: بیان نوع فعل، زمان و مکان فعل، سبب فعل، همراهی فعل و آنچه فعل بر آن واقع می‌شود (الهاشمی، ۱۳۶۸ش، ۱۷۴-۱۷۳).

از دیگر قیود جمله می‌توان به عطف اشاره نمود که برای اغراضی می‌آید. از جمله: تفصیل مسند الیه و یا مسند به اختصار، رد سامع به جهت صواب به اختصار، صرف حکم به دیگری، شک متکلم یا سامع و اباحه و تخییر (الهاسمی، ۱۳۶۸ش، ۱۶۶-۱۶۵).

از دیگر موارد ذکر آخرت، همراهی آن با حروف جر است. حروف جری مانند فی، باء، علی و عن. فی به معنای ظرفیت است اعم از حقیقی و یا مجازی. باء معانی متعدد دارد از جمله: الصاق حقیقی یا مجازی، سببیت، استعانت، تأکید، مصاحبت، بدل، مقابله، متعدی کردن و ... علی به معنای استعلایی حقیقی و مجازی، ظرفیت، مصاحبت و ... است و عن به معنای مجاوزت حقیقی و مجازی، بدل، بعد و باء (شرتونی، ۱۳۶۸ش، ۳۶۱/۴ و ۳۵۹-۳۵۸).

### آخرت در قرآن کریم

پیشتر آمد که یک سوم آیات قرآنی به آخرت و مسائل مربوط به آن اختصاص دارد (خراسانی، ۱۳۸۶ش، ۱۲) که در نقش‌های مختلف نحوی پیام الهی را به اهل ایمان می‌رساند از جمله آن، نقش مبتدایی آخرت است.

### آخرت در نقش مبتدا

آیاتی که آخرت در آنها نقش مبتدا را دارد ۸ آیه است (نجم/۲۵، انعام/۳۲، عنکبوت/۶۴، اسراء/۲۱، نحل/۳، اعلیٰ/۱۷، نساء/۷۷، لیل/۱۳) که همراه با لام ابتدا، به صورت مبتدا و یا مبتدای مؤخر آمده و در اینجا به ۳ مورد آن (به طور تصادفی) اشاره می‌شود و شایان ذکر است که آخرت در نقش مبتدایی آن، تأکید بیشتری از نقش‌های دیگر آن دارد و حق مسندالیه آنست که معرفه باشد زیرا محکوم علیه است و شایسته است که معلوم باشد تا آن حکم مفید گردد (الهاسمی، ۱۳۶۸ش، ۱۳۰).

آیه ۱: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمْ يُكْتَبْ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذْ أَفْرَقُوا مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَىٰ﴾ (نساء، ۷۷) ترجمه انصاریان: (در عبارات قبل از بیان بهتر بودن آخرت آمده ای پیغمبر به ایشان بگو متاع دنیا اندک) و آخرت برای تقوا پیشگان بهتر است. جمله «و الآخرة» عطف به «متاع الدنيا» شده است و «الآخرة» در واقع

«ثواب الآخرة» است و ترکیب «لمن اتقى» نیز به معنی «لمن اتقى الله» است (عبدالواحد، ۱۴۲۲ق، ۴۰۰/۲). تقدیم مسندالیه نیز، نشانگر تأکید و قوت است (جرجانی، بی تا، ۱۰۳). تحلیل: آیه مذکور با تعجب از کار مسلمین شروع شده زیرا از پیامبر اذن جهاد خواستند ولی زمانی که فرمانش صادر شد، از آن استنکاف کردند. آیه بهتر بودن آخرت بر دنیا را برای متقین، با آمدن آخرت در نقش مبتدایی، تبیین نموده و خبر آن را با جار و مجرور «لمن اتقى» مقید ساخته و صله «اتقى» به قرینه مدح، افاده استمرار تجدیدی دارد.

آیه ۲: ﴿أَنْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَلِالْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ وَأكْبَرُ نَفْصِيلاً﴾ (اسراء، ۲۱) ترجمه انصاریان: ای پیامبر با تامل بنگر چگونه برخی را به بعضی دیگر (به جهت مصالحی) فضیلت دادیم و همانا آخرت از نظر فضیلت و درجات برتر و بیشتر است. ابن عربی مراتب برتری آخرت بر دنیا را به برتری روح بر بدن مثال زده است. «بقدر رجحان الروح علی البدن یکون رجحان درجات الآخرة علی الدنيا» (ابن عربی، ۲۰۱م، ۱/ ۳۷۹) لام ابتدا برای تأکید آن آمده است (عبدالواحد، ۱۴۲۲ق، ۵۰۱/۵). تحلیل: آیه فوق، تأکید بر برتری و بیشتری درجات و فضائل آخرتی بر فضائل دنیایی دارد. بنابراین معنی برتری فضائل آخرتی به دنیوی با دو تأکید، نقش مبتدایی و لام تأکید، تبیین شده و با خبر «اکبر» و تکرار آن و تمییز «درجات» و «تفضیلاً» مقید گردیده است. در این آیه نیز تقدیم مسندالیه نشانه تأکید و تقویت معنای آخرت است.

آیه ۳: ﴿إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ﴾ (لیل، ۱۳) ترجمه انصاریان: بی تردید هدایت کردن بر عهده ماست و آخرت و دنیا فقط از آن ماست و هدایت و عصیان بندگان موجب ازدیاد و نقص ملک ما نیست. تحلیل: آیه بر هدایتگری و مالکیت حق تعالی بر آخرت و دنیا تأکید دارد و آن را با تقدیم ما هو حقه التاخير یعنی جار و مجرور علینا و لنا به وجود حق سبحانه تخصیص داده و با اِنَّ و نقش مبتدایی آخرت، همراه با لام ابتدا و تقدم آن، بر اختصاص آن تأکید نموده است و مالکیت پروردگار را با معطوف الاولی مقید ساخته است. تقدم آخرت بر دنیا نیز نشانگر اهمیت آنست.

جمع بندی آیات از حیث نحوی و بلاغی: در آیاتی که قصد خداوند حکیم حکمی در خصوص آخرت بوده، آخرت در نقش مبتدا آمده است زیرا مسندالیه، محکوم علیه است و بدین وسیله حکم تقویت شده است و در آیاتی که تخصیص آخرت مورد نظر بوده، آخرت به صورت

مبتدای مؤخر و با تقدم جار و مجرور آمده تا اختصاص را نشان دهد. هم‌چنین می‌توان نتیجه گرفت که تقدم و تأخر کلمات نیز، نشانگر اهمیت کلمه متقدم بر کلمه متأخر است و نکته بعد آمدن آخرت در نقش مسندالبیهي و نیامدن آن در نقش مسندی در قرآن است که دلالت بر تقویت و تاکید معنی آخرت در این کتاب مقدس دارد.

### آخرت در نقش صفت

آیاتی که آخرت در آنها به صورت صفت آمده ۹ آیه است. (بقره/۹۴، انعام/۳۲، عنکبوت/۲۰، قصص/۸۳، عنکبوت/۶۴، قصص/۷۷، احزاب/۲۹، اعراف/۱۶۹، انعام/۳۲) ۷ مورد با موصوف «الدار» و ۱ مورد با موصوف «الملة» و ۱ مورد با موصوف «النشأة» آمده، که برخی از آن در ذیل می‌آید.

آیه ۱: ﴿قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ الصَّادِقِينَ﴾ (بقره، ۹۴) ترجمه انصاریان: ای پیامبر به یهود بگو اگر آن گونه که خیال می‌کنید سرای آخرت با همه نعمت‌های خداییش تنها به شما تعلق دارد پس آرزوی مرگ کنید اگر راست‌گویید. تحلیل: اقتضای کلام، توضیح «دار» است و نیز جمله مقید به حرف شرط «إِنْ» شده که نشانه شک است و اشاره به بطلان نظر یهود دارد. جواب شرط «فتمنوا» است که دلالت بر حدوث و تجدد دارد و مفعول «الموت» آن را مقید می‌کند «وإن كنتم صادقين» شرطی است که برای تأکید سخن آمده و جوابش فتمنوا محذوف است.

آیه ۲: ﴿وَلِلدَّارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (انعام، ۳۲) ترجمه انصاریان: و یقیناً سرای آخرت برای تقوا پیشگان بهتر است آیا نمی‌اندیشید. آیه در صدد ابطال زعم یهود است و از برهان خود آنان برای باطل نمودن نظر ایشان بهره می‌جوید (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۱/۵۹۵). در آیه فوق خبر کان مقدم شده تا اختصاص جنت را (به زعم یهود) نمایان سازد و آخرت به صورت وصف آمده است (عبدالواحد، ۱۴۲۲ق، ۱/۲۰۱). آیه اعاده دعوت به تقواست که با التفات از غیبت به خطاب، بر معنا تاکید شده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۶/۶۸). تحلیل: در این آیه بهتر بودن خانه آخرت برای متقین با دو تاکید، جمله اسمیه و لام تاکید تبیین می‌شود زیرا ما قبل آیه صحبت از لهو و لعب بودن زندگانی دنیاست (و ما الحیوة الدنیا الالعب و لهو) و دار بالام تاکید و نعت الآخرة آمده؛ زیرا منظور مدح و یا توضیح دار است و خیر بودن آن نیز با جار و مجرور للذین مقید گشته



است و در ادامه جمله فعلیه همراه با همزه استفهام، برای تأکید بیشتر معنا آمده است. فعل مضارع منفی لاتعلولون نیز، دلالت بر استمرار دارد.

مقایسه دو آیه ۷۷ نساء و ۳۲ انعام ﴿وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ اتَّقَى﴾ (وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ) که آخرت در یکی نقش مبتدا و دیگری صفت است؛ مفهوم کلی دو آیه یکسانست و آن هم بهتری آخرت برای متقین است ولی تفاوت‌هایی در آن به چشم می‌خورد. در سوره نساء، آخرت بدون موصوف آمده و در سوره انعام، با موصوف دار آمده است. به نظر می‌رسد در آیه اول، کلیت آخرت مد نظر است لذا آخرت بدون موصوف آمده است و در سوره انعام، صحبت از حیات دنیاست و لذا آخرت با موصوف آمده است تا تأکید بیشتری بر معنای بهتری آخرت بر دنیا باشد. در هر دو آیه مصداق بهتر بودن ذکر شده که در آیه اول به صورت موجز آمده و در آیه دوم مفصل بیان شده تا به حکم زیاده مبانی تدلّ علی زیاده معانی، افاده بیشتری بر مفهوم بهتری آخرت برای متقین باشد.

آیه ۳: ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ﴾ (عنکبوت، ۲۰) ترجمه: (ابتدای آیه امر به سیر در زمین دارد و می‌گوید) بگو در زمین بگردید و تأمل کنید چگونه آفرینش آغاز شد. سپس خداوند جهان آخرت را ایجاد می‌کند. تحلیل: الله ینشی جمله اسمیه است که ثبوت را می‌رساند و در آن تکرار اسناد است یعنی الله ینشی هو که دلالت بیشتری بر انشاء جهان آخرت توسط الله دارد. در آیه شریفه آغاز خلقت با ماضی و ایجاد آخرت با مضارع و حرف عطف ثم آمده تا حدوث و ایجاد در آینده را تبیین نماید.

جمع بندی آیات: برتری خانه آخرت برای متقین، با تأکید و بدون تأکید آمده است و تأکید آن، وقتی است که سخن از جهان آخرت و حیات دنیا با هم است و مقصود از نعت آخرت در آیات ذکر شده، توضیح و یا مدح موصوف بوده و با ترکیب وصفی نیز بیان شده است و لذا با مضاف الیه قرار گرفتن آخرت و معانی مختص به آن (ظرفیت، تعظیم و تحقیر) اغراض وصف، تحقق نمی‌یافت.

### آخرت در نقش مضاف الیه

آیاتی که آخرت در آنها مضاف الیه آمده ۱۹ آیه است. (هود/۱۰۳، رعد/۳۴، فصلت/۱۶، قلم/۳۳، طه/۱۲۷، زمر/۲۶، نازعات/۲۵، اعراف/۱۴۷، روم/۱۶، مؤمنون/۳۳، آل عمران/۱۴۸، آل عمران/۱۴۵، یوسف/۵۷، نحل/۴۱، قصص/۸۳، عنکبوت/۶۴، اسراء/۱۰۴، اسراء/۱۷، شوری/۲۰) ۶ مورد ترکیب

«عذاب الآخرة»، مورد «نکال الآخرة» و ۳ مورد همراه با «لقاء» آمده و «ثواب الآخرة»، «اجر الآخرة»، «دار الآخرة» و «وعد الآخرة» هم ۲ بار آمده و «حرث الآخرة» تنها یک بار آمده است. در اینجا به برخی از آن اشاره می‌شود.

آیه ۱: ﴿... أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (یوسف، ۱۰۹) ترجمه: (در عباراتی قبل از بهتر بودن آخرت آمده این عمل ما نسبت به اهل ایمان در دنیا است که دشمنانشان را هلاک می‌کنیم) و همانا سرای آخرت (بهشت) برای پرهیزگاران بهتر است آیا نمی‌اندیشید. بنابر تفسیر تبیان دار الآخرة ترکیبی اضافی است که تقدیر آن دار الحال الآخرة است زیرا حال مردم دو گونه است یا حال دنیا و یا حال الآخرة (طوسی، بی تا، ۶/۲۰۷) تحلیل: سرای آخرت نسبت به سرای دنیا برای پرهیزکاران با دو تأکید لام ابتدا و جمله اسمیه تبیین شده و خبر خیرٌ با جار و مجرور للذین مقید گردیده است و این قید برای آن آمده که قبل از آیه سخن از سیر در زمین و دیدن عاقبت پیشینیان است و لذا جار و مجرور للذین آمده است و صله اتقوا به قرینه مدح فایده استمرار تجددی دارد و در تأکید سخن، جمله فعلیه مصدر به همزه استفهام آمده که فعل مضارع منفی آن نیز افاده استمرار دارد.

آیه ۲: ﴿... وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُمْ مِنْ هَادٍ﴾ (لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ) (رعد، ۳۴-۳۳) ترجمه: (پیش از آیه آمده هر کس را که خداوند به سبب از دست دادن لیاقتش گمراه کند، هدایتگری برای او نیست) و برای گمراهان در دنیا عذاب دنیوی (اسارت، امراض و ...) است و همانا عذاب اخروی به جهت دوام و کثرت و خلوص شدیدتر و پر مشقت‌تر است. این آیه در باره کافران است. در تبیان (طوسی، بی تا، ۶/۲۵۹) ذیل آیه مذکور آمده که آیه خبری است از جانب خدای متعال برای کافران، که در زندگی دنیا دچار عذاب (قتل و بردگی و اسارت و از دست دادن مال و ...) می‌شوند و عذاب آخرتشان پر مشقت‌تر است. ابن عاشور نیز عذاب الآخرة را به عذاب در آخرت معنی نموده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۱۲/۱۹۵). تحلیل: آیه سخت‌تر بودن عذاب آخرت را با دو جمله اسمیه که دلالت بر ثبوت دارد، تبیین نموده است. در جمله اول، با آوردن جمله اسمیه و تقدم خبر، به عذاب در زندگی دنیوی تأکید شده و در جمله دوم، با جمله اسمیه و لام ابتدا، به سخت‌تر بودن عذاب اخروی تأکید گردیده است. بنابراین اضافه در این آیه، اضافه ظرفی است.

آیه ۳: ﴿وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَ لِنِعْمِ دَارِ الْمُتَّقِينَ﴾ (نحل، ۳۰) ترجمه: و یقیناً سرای آخرت و پاداش آن از نعم دنیوی بهتر است و سرای آخرت چه نیکوست. این آیه در خصوص پرهیزگاران است. فیض کاشانی در تفسیر صافی (کاشانی، ۱۴۱۵ق، ۱۳۳/۳)، بهتر بودن خانه آخرت را وعده‌ای برای باتقوایان دانسته و بیان نموده که عبارت «لنعم دار المتقین» تفسیرخیر بودن خانه آخرت است. تحلیل: آیه در صدد بیان برتری آخرت نسبت به دنیا است که با دو جمله تبیین شده است. جمله اول جمله اسمیه است که با دو تأکید لام ابتدا و اسمیت جمله، برتری آخرت را تبیین می‌کند و جمله دوم فعل ماضی نعم که فعل انشاء مدح است و با لام تأکید آمده تا نیکویی سرای آخرت را بیان نماید. به نظر می‌رسد اضافه در این آیه، اضافه ظرفی است و یا ترکیب صفت و موصوف است که برای تعظیم دار آمده باشد.

آیه ۴: ﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّكُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ لَآجِرُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ﴾ (نحل، ۴۱) ترجمه: (ابتدای آیه آمده کسانی که مورد ظلم واقع شدند و برای خدا هجرت نمودند، خداوند به جای وطنشان (مکه) جای بهتری (مدینه) به ایشان داد) و یقیناً پاداش آخرت برتر و بزرگتر است. در تبیان (طوسی، بی تا، ۶/۳۸۳) ذیل آیه مذکور آمده که خداوند به مهاجرین در راه خدا پاداش می‌دهد و البته پاداش آخرتشان بزرگتر است. ابن عاشور نیز اجر الآخرة را به اجر در آخرت معنی نموده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۱۲/۱۹۵). تحلیل: آیه بزرگتری پاداش آخرت را با دو تأکید جمله اسمیه و لام ابتدا می‌آورد و اضافه در این آیه نیز، اضافه ظرفی است.

برآورد آیات: در آیات مذکور، هر زمان که ثواب آخرت به تنهایی مقصود بوده، بدون هیچ تأکیدی آمده زیرا برتری آخرت بر دنیا امری روشن است و هر گاه ثواب و عذاب دنیا و آخرت، با هم مد نظر بوده، اجر و عذاب آخرت با تأکیدی آورده شده تا بزرگی و فضل آخرت را نشان دهد. در آیات ذکر شده، مقصود از اضافه، ظرفیت و تعظیم بوده و با ترکیب اضافی نیز بیان شده است و لذا با وصف قرار گرفتن آخرت و معانی مختص به آن، اغراض آیه تحقق نمی‌یافت.

### آخرت در نقش مفعول

آیاتی که آخرت در آنها در نقش مفعول به آمده (به واسطه حرف جر یا بدون واسطه آن) ۱۹ آیه است (مومنون/۷۴، نمل/۴، نحل/۲۲، نحل/۶، اسراء/۴۵، نجم/۲۷، اسراء/۱۰، انعام/۱۱۳، زمر/۴۵، انعام/۱۵۰، بقره/۳، سبأ/۲۱، مدثر/۵۳، قیامة/۲۱، انفال/۶۸، آل عمران/۱۵۲، اسراء/۱۹، زمر/۹،

ممتحنه/۱۳) که ۱۰ مورد آن با فعل «لایؤمنون بالآخرة» و ۱ آیه با فعل «یؤمنون» آمده و ۱ مورد با فعل «یؤمن بالآخرة»، ۲ مورد با فعل «لایخافون الآخرة» و «تذرون الآخرة» آمده است. ۲ آیه با ترکیب «یرید الآخرة» و ۱ آیه با فعل «أراد الآخرة» و ۲ مورد هم با فعل «یحذر الآخرة» و «یئسوا من الآخرة» آمده، که به برخی از آن اشاره می‌گردد.

آیه ۱: ﴿تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ﴾ (انفال، ۶۷) ترجمه: (خطاب آیه به مؤمنینی است که برای غنیمت و فدیة می‌جنگند می‌گوید) شما متاع ناچیز دنیا را می‌خواهید و خداوند آخرت را برایتان می‌خواهد. درویش و وجه تسمیه اعراض را ماندگاری اندک آن می‌داند. «یسمی بذلك لانه قليل اللبث» (درویش، ۱۹۹۶م، ۴/ ۴۲) از اسامی پروردگار، اسم الله آمده که به منظور تعظیم پروردگار است و نظم و تناسق قرآنی را نشان می‌دهد (سید قطب، ۱۴۲۵ق، ۸۸). تحلیل: آیه در صدد تبیین خواست بندگان و خداوند است. در بیان خواست بندگان، جمله فعلیه و فعل مضارع تریدون و مفعول عرض الدنيا آمده تا عارضی بودن آن را بیان کند و در توضیح خواست حق جمله اسمیه دال بر ثبوت آمده و به سبب تکرار اسناد «الله یرید»، حکم اراده حق تقویت شده و با بیان مفعول «الآخرة» معنی اراده، مقید شده و تبیین بیشتری یافته است.

آیه ۲: ﴿إِذَا حَوَّلَهُ مُنْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُوا إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ﴾ (آمن هو قانت أناء الليل ساجداً وقائماً يحذر الآخرة ويرجو رحمة ربه) (زمر، ۸-۹) ترجمه: (آیه در مورد شخص گنه کاریست که نعمت الهی را فراموش کرده و برای حق شریکانی قرار می‌دهد می‌فرماید چنین کسی بهتر است) یا بنده ساجد و قائم که از آخرت می‌ترسد و به رحمت الهی امیدوار است. ابن عربی در تفسیر آیه مذکور آورده که سالک از عقاب آخرت بیمناکست و به رحمت حق امیدوار و همواره خوف و رجاء با اوست (ابن عربی، ۲۰۱م، ۲/ ۱۹۹). یحذر الآخرة یعنی عذاب الآخرة (عبدالواحد، ۱۴۲۲ق، ۸/ ۵۴۰) بنابر نظر زمخشری تقدیر هو قانت، «أمن هو قانت كغيره» می‌باشد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۴/ ۱۱۴). تحلیل: آیه ویژگی عباد الله را با دو جمله اسمیه تبیین می‌کند. جمله اول من مبتدا و خبر محذوف، و جمله دوم «هو قانت». عبادت بندگان با مفعول فيه «أناء الليل» و حال «ساجداً» و معطوف «قائماً» و جمله حالیه «یحذر الآخرة» و معطوف «یرجو» تبیین شده است و می‌توان گفت که هر دو فعل خوف و رجاء (یحذر و یرجو) با ذکر مفعول خود مقید شده و معنی فعل را تبیین می‌کند.

آیه ۳: ﴿كَلَّا بَلْ تَحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَتَذُرُونَ الْآخِرَةَ﴾ (قیامت، ۲۲-۲۱) ترجمه: (آیه می فرماید این که می پندارید قیامتی در کار نیست) این چنین نیست بلکه شما دوستار دنیا بید و آخرت را رها می - کنید. در بلاغت القرآن جمله «تذرون الآخرة» به معنی «تذرون حیاة الآخرة» آمده است (عبدالواحد، ۱۴۲۲ق، ۱۰/۴۱۷). تحلیل: تبیین رهایی آخرت از جانب دنیا دوستان با حرف ردع و زجر (کلا) و حرف إضراب (بل) آمده و فعل تذرون نیز با مفعول الآخرة مقید شده تا عمل ترک کردن، به روشنی تبیین شود..

برآورد آیات: افعال متعدی آمده در آیات مذکور و غیر مذکور یعنی افعال «یؤمنون، یخافون، تذرون، یرید، أراد، یحذر، یئسوا»، مقید به ذکر مفعول «الآخرة» شده تا فایده کلام را، فزونی بخشد و معنی فعل خود را به بهترین وجه تبیین کند و قطعاً تقریر و توضیح افعال در آیات ذکر شده و غیر آن، بدون آمدن مفعول تحقق نمی یافت.

### آخرت در نقش معطوف

آیاتی که آخرت در آنها نقش معطوف را دارد، ۲۰ آیه است (آل عمران/۲۲، نور/۲۳، آل عمران/۵۶، احزاب/۵۷، نور/۱۴، نور/۱۹، حج/۱۵، یوسف/۱۰۱، آل عمران/۴۵، بقره/۲۲۰، توبه/۶۹، توبه/۷۴، بقره/۲۱۷، ابراهیم/۲۷، یونس/۶۴، فصلت/۳۱، زخرف/۳۵، حج/۱۱ نساء/۱۳۴) که ۱۴ آیه با ترکیب «فی الدنيا و الآخرة» آمده، ۳ آیه به صورت «فی الحیاة الدنيا و فی الآخرة»، ۱ آیه به صورت «متاع الحیاة الدنيا و الآخرة»، ۱ آیه با ترکیب «خسر الدنيا و الآخرة»، ۱ آیه به صورت «عند الله ثواب الدنيا و الآخرة» آمده که در ذیل به برخی از آن اشاره می شود.

آیه ۱: ﴿وَمَنْ يَزِدْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ﴾ (بقره، ۲۱۷) ترجمه: کسانی که از دینشان برگردند و در حال کفر بمیرند، آنان کسانیست که اعمالشان در دنیا و آخرت تباه می شود. طبرسی در تفسیر خود آورده که معنای آیه این نیست که ایشان استحقاق ثواب داشتند و به ایشان ندادند زیرا این احباط جایز نیست (طبرسی، ۱۹۹۴م، ۲/۷۷). تحلیل: در آیه کریمه حکم ارتداد آمده و حبط اعمال مرتدین غیر تائب، با جمله شرطیه و جار ومجرور «منکم» و «عن دینه» و معطوف «یمت» و جمله حالیه «و هو کافر» مقید شده است. جواب شرط هم که اعتبار شرط است خود جمله اسمیه است و خبر ماضی «حبطت»، نشان دهنده قطعیت حبط اعمال مرتدین است آمدن معطوف «فی الدنيا و الآخرة» در آیه، به جهت

تفصیل جار و مجرور به اختصار است زیرا ترکیب «فی الدنيا و الآخرة»، مختصرتر از «فی الدنيا و فی الآخرة» است.

آیه ۲: «يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الآخِرَةِ» (ابراهیم: ۲۷) ترجمه: خداوند مؤمنان را به سبب اعتقادشان در زندگی دنیا و آخرت ثابت قدم می‌دارد. طبرسی قول ثابت را همان ایمان دانسته زیرا ثابت با ادله است «القول الثابت ای الایمان لانه ثابت بالحجج و الأدلّه» (طبرسی، ۱۹۹۴م، ۷۱/۶) «فی الآخرة» به معنی «فی الحیاة الآخرة» است (عبدالواحد، ۱۴۲۲ق، ۵/۲۵۴). تحلیل: آیه ثابت قدمی مؤمنان را با جمله فعلیه بیان نموده تا حدوث را نشان دهد. و این ثبات قدم، با مفعول «الذین» و جار و مجرور «بالقول» و «فی الحیاة الدنيا» و معطوف «فی الآخرة» مقید شده است. آمدن معطوف در این آیه نیز تفصیل جار و مجرور به اختصار است زیرا ترکیب «فی الحیوة الدنيا و فی الآخرة»، خلاصه‌تر از «فی الحیوة الدنيا و فی الحیاة الآخرة» است.

آیه ۳: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَ الآخِرَةِ» (نساء، ۱۳۴) ترجمه: هر کس فقط پاداش دنیا را بخواهد (دچار اشتباه شده) زیرا ثواب دنیا و آخرت نزد خداست و مالکیت دنیا و آخرت از آن اوست. طبرسی ذیل این آیه آورده که ثواب دنیا غنیمت و منافع دنیوی است و علت اظهار ایمان منافقین به پیامبر (ص) رسیدن به (همین) نعم دنیوی بوده است (طبرسی، ۱۹۹۴م، ۲۰۳/۳). تحلیل: آیه در صدد بیان اختصاص پاداش دنیا و آخرت به خداست و آن را با جواب شرط که جمله اسمیه دال بر ثبوت است، تقریر نموده و با تقدم خبر «عند الله» تخصیص را نشان داده است. آمدن معطوف در این آیه نیز تفصیل جار و مجرور به اختصار است زیرا ترکیب «ثواب الدنيا و الآخرة»، اخصر از «ثواب الدنيا و ثواب الآخرة» است.

برآورد آیات: وجوه مختلف آخرت در نقش معطوف در آیات مذکور و غیر مذکور مانند ترکیب‌های «فی الدنيا و الآخرة»، «فی الحیاة الدنيا و فی الآخرة»، «متاع الحیاة الدنيا و الآخرة»، «خسر الدنيا و الآخرة» و «عند الله ثواب الدنيا و الآخرة» مقید به ذکر حرف عطف «و» شده است و منظور از آمدن عطف در این آیات، تفصیل جار و مجرور به اختصار است و این تفصیل، جز با حرف عطف «و» تحقق نمی‌یافت.

### آخرت در نقش مجرور

آیاتی که آخرت در آنها همراه با حروف جر آمده ۳۷ آیه است (هود/۲۲، نحل/۱۰۹، اسراء/۷۲، نمل/۵، عنکبوت/۲۷، رعد/۲۶، سبأ/۱، آل عمران/۸۵، حشر/۳، هود/۱۶، بقره/۱۳۰، غافر/۴۳، آل عمران/۱۷۶، شوری/۲۰، آل عمران/۷۷، بقره/۲۰۰، بقره/۱۱۴، توبه/۳۸، مائده/۳۳، مائده/۵، مائده/۴۱، بقره/۱۰۲، یونس/۶۴، ابراهیم/۲۷، بقره/۲۰۱، نمل/۳، فصلت/۷، مؤمنون/۷۴، اعراف/۴۵، هود/۱۹، نمل/۴۰، اسراء/۱۰، لقمان/۴، نجم/۲۷، نحل/۱۰۷، ابراهیم/۳، روم/۷) که ۲۵ آیه با حرف جر «فی» است. ۹ آیه با حرف جر «باء» و ۲ آیه با حرف جر «علی» و ۱ آیه با حرف جر «عن» آمده که در ذیل به بعضی اشاره می‌شود.

ابتدا آیاتی که با حرف جر «فی» آمده است.

آیه ۱: ﴿لَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ﴾ (بقره، ۱۰۲) ترجمه: و یقیناً یهود می‌دانست که هر کس سحر را بخرد در آخرت نصیبی ندارد. «فی الآخرة» جار و مجرور متعلق به حال محذوف «من خلاق» است (عبدالواحد، ۱۴۲۲ق، ۱/۱۳۰). تحلیل: آیه با تأکیدات چند گانه به عدم نصیب ساحران یهود در آخرت و علم آنان به این مطلب اشاره دارد و آن را با دو جمله فعلیه و اسمیه تبیین می‌نماید. علم ایشان را با فعل ماضی دال بر حدوث بیان نموده و با لام و قد تأکید کرده و عدم نصیبشان در آخرت را با مای نافی، تقدم خبر له، من زانده تقویت نموده است. فی در ترکیب «فی الآخرة»، به معنی ظرفیت مجازی است.

آیه ۲: ﴿وَمَنْ أَظْلَمَ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (بقره، ۱۱۴) ترجمه: (صدر آیه آمده و چه کسانی ستمکارتر از آنانند که از ذکر نام خدا در مساجد جلوگیری می‌کنند و سعی در خرابی و ویرانی آن دارند، آنان را شایسته نیست که در آن مراکز درآیند جز در حال ترس) برای آنان در دنیا خواری و در آخرت عذابی بزرگ است. تحلیل: آیه در بیان خزي و عذاب ظالمان و مانعان ذکر خدا در مساجد است و این موضوع را با دو جمله اسمیه دال بر ثبوت، که خبر آن مقدم شده تأکید نموده و با حال «فی الدنيا» و «فی الآخرة» و نعت «عظیم»، مقید ساخته است. «لهم فی الآخرة عذاب» معطوف بر «لهم فی الدنيا خزي» است. فی در ترکیب «فی الآخرة»، به معنی ظرفیت مجازی است.

آیه ۳: ﴿فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ﴾ (بقره، ۲۰۰) ترجمه: برخی از مردم می‌گویند بار پروردگارا به ما در دنیا عطا کن و آنان را از آخرت هیچ بهره و نصیبی نیست. طبرسی ذیل آیه آورده که وی نعمت آخرت را مسألت نمی‌کند زیرا بدان ایمان ندارد (طبرسی، ۱۹۹۴م، ۵۱/۲) و ابن عربی علت عدم خواست را توجه آنان به عالم پست‌تر دانسته و اینکه اکتساب ظلمت با نور منافات دارد (ابن عربی، ۲۰۰۱م، ۷۴/۱). تحلیل: آیه حال دنیا خواهان را با جمله اسمیه دال بر ثبوت تقریر می‌نماید و آن را با تقدم خبر «من الناس» تأکید می‌کند و صله «يقول»، با منادای مضاف «ربنا» و فعل امر و جار و مجرور «آتنا في الدنيا»، مقید می‌شود. جمله حالیه بعد بر نفی نصیب دنیا طلبان تأکید دارد و آن را با خبر مقدم «له»، من زائده «من خلاق» و حال «في الآخرة» تبیین می‌نماید. فی در ترکیب «فی الآخرة» نیز، به معنی ظرفیت مجازی است.

برآورد آیات: «فی» در این آیات به معنی ظرفیت مجازی است و مفهوم عدم نصیب آخرتی ساحران یهود و عذاب بزرگ مانعان ذکر خدا و عدم بهره آخرتی دنیاخواهان را همراه با کلمات دیگر تبیین نموده است و در هر سه آیه، با تقدم «فی الآخرة» بر این معانی تأکید شده است و معنای ظرفی در آیات مذکور جز با حرف جر «فی» نشان داده نمی‌شد. آیاتی که آخرت با حرف جر «باء» آمده است.

آیه ۱: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ﴾ (بقره، ۸۶) ترجمه: کافران کسانی که زندگانی دنیا را به جای آخرت خریدند. طبرسی در توضیح آیه آورده که ایشان ریاست دنیا را خریداری نموده و به جای آخرت بدان رضایت دادند (طبرسی، ۱۹۹۴م، ۲۵۶/۱). باء در «بالآخرة» به معنی ثمن یا مقابله است (عبدالواحد، ۱۴۲۲ق، ۱۰۶/۱). تحلیل: آیه در بیان خرید دنیا به جای آخرت است و این معنا با جمله اسمیه که دلالت بر ثبوت دارد، تبیین می‌شود. اولئک مبتدا و موصول خبرست و صله، فعل ماضی «اشترؤا» است که قطعیت را می‌رساند و فعل «اشترؤا» با مفعول و وصف آن «الحياة الدنيا» و جار و مجرور «بالآخرة» مقید می‌شود.

آیه ۲: ﴿فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ﴾ (نساء، ۷۴) ترجمه: باید در راه خدا بجنگند کسانی که می‌خواهند زندگانی فانی دنیا را با زندگانی باقی آخرت مبادله کنند. «بالآخرة» متعلق به «یشرون» است که در آن مضاف حذف شده و مضاف الیه جای آن آمده است



یعنی «بثواب الآخرة» (عبدالواحد، ۱۴۲۲ق، ۲/۳۹۴). تحلیل: آیه به جهاد در راه حق برای آخرت جویان اشاره دارد و این موضوع را با جمله فعلیه فلیقاتل که دلالت بر استمرار دارد، تبیین می‌نماید و با جار و مجرور فی سبیل الله مقید می‌کند. الذین فاعل و صله آن جمله فعلیه یشرون است که استمرار تجددی دارد و حکم شراء با مفعول و وصف آن «الحياة الدنيا» و جار و مجرور «بالآخرة» مقید می‌گردد. می‌توان گفت باء در بالآخرة به معنی مقابله است

آیه ۳: ﴿الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾ (نمل، ۳) ترجمه: مؤمنین کسانی‌اند که نماز را بر پا می‌کنند و زکات می‌پردازند و به آخرت یقین دارند. «هم» در «هم یوقنون» بدل از هم اولی است و تقدم جار و مجرور «بالآخرة» بر «یوقنون»، نشانگر عنایت به آنست (عبدالواحد، ۱۴۲۲ق، ۷/۲۹۷). در کشف زمخشری تکرار «هم» در آیه به معنی آنست که تنها کسانی به آخرت یقین دارند که جامع بین ایمان و عمل صالح باشند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ۳/۳۴۷). تحلیل: آیه مؤمنین را با دو جمله توصیف می‌کند. جمله اول با مبتدای «الذین» و خبر «یقیمون» تبیین می‌شود و با مفعول «الصلوة» و معطوف «یؤتون» و مفعول «الزکاة» مقید می‌گردد.

برآورد آیات: «باء» در این آیات به معنی بدل و یا تعدیه است و مفهوم خرید کافران، دنیا را به جای آخرت و مقاتله مجاهدین و مبادله کنندگان زندگی دنیا با آخرت و مؤمنین برپاکننده نماز و پردازنده زکات و یقین موقنین به آخرت را همرا با مفردات دیگر تقریر نموده است و معانی مذکور در آیات فوق، جز با حرف جر «باء» تحقق نمی‌یافت.

و آیاتی که آخرت با حرف جر «علی» و «عن» آمده است.

آیه ۱: ﴿... وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾ (ذالک بآئهم استحبوا الحیوة الدنیا علی الآخرة) (نحل، ۱۰۷-۱۰۸) ترجمه: (در آیه ۱۰۷ آمده آنانی که سینه را برای پذیرفتن کفر گشاده‌اند، خشمی سخت از جانب خدا برای آنان است و برای ایشان عذابی بزرگ خواهد بود) این بدان سبب است که آنان زندگانی زودگذر دنیا را بر آخرت ترجیح دادند. ذلک مبتداست و اشاره به عذابی است که به سبب رجحان دنیا بر آخرت بدانها می‌رسد (عبدالواحد، ۱۴۲۲ق، ۶/۲۱۶). تحلیل: خبر جمله اسمیه است که «هم» مبتدا و فعل ماضی «استحبوا» خبر آنست و قطع و یقین را می‌رساند. حکم ترجیح دنیا بر آخرت با مفعول «الحياة الدنيا» و جار و مجرور «علی الآخرة» مقید می‌شود و علی به معنی استعلای مجازی است.

آیه ۲: «يُعَلِّمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (روم، ۷) ترجمه: اکثر مردم ظاهری محسوس از زندگی دنیا را می‌شناسند اشاره به اینکه باطن دنیا را نمی‌دانند (ظاهر دنیا لذا ذاتی و باطن آن پلی به سرای جاودانست) و آنان از آخرت که سرای ابدی و نعمت‌های جاودانی و حیات سرمدی است، بی‌خبرند. طبری ذیل آیه مذکور از قول ابن عباس آورده که آنان منافع و مضار دنیا را می‌دانند (می‌دانند چه زمان کشت کنند و چه زمان درو نمایند و چه زمان محصول را جمع کنند و چگونه بسازند) و نسبت به آخرت جاهلند لذا دنیای خود را آباد و آخرت خویش را خراب نمودند. «یعلمون منافع الدنیا و مضارها و متی یزرعون و متی یحصدون و کیف یجمعون و کیف ینون و هم جهال الآخرة فعمروا دنياهم و خربوا آخرتهم» (طبری، ۱۹۹۴م، ۴۱/۸) تحلیل: آیه در تبیین ویژگی دیگری از کافرانست و این مطلب را با دو جمله فعلیه و اسمیه بیان می‌کند. جمله فعلیه با فعل یعلمون آغاز شده که دلالت بر استمرار دارد و جار و مجرور «من الحیوة الدنیا» حکم قلت علم را مقید می‌سازد و جمله اسمیه هم با سه تأکید اسمیت جمله، تقدم جار و مجرور «عن الآخرة» و ضمیر فصل «هم» بر غفلت آنان تکیه دارد. عن آمده در آیه به معنی مجاوزت مجازی است.

برآورد آیات: «علی» و «عن» در این آیات به معنی استعلاء و مجاوزت مجازی است. در آیه نخست «علی»، همراه با کلمات دیگر، مفهوم استعلاء دنیا بر آخرت را به زعم کافران تبیین نموده است و در آیه دوم حرف «عن» همراه با مفردات دیگر، معنا و مفهوم علم آنان به ظاهر دنیا و عدم آگاهی ایشان به باطن آن یعنی آخرت را تقریر نموده است. معنای استعلاء و مجاوزت در آیات مذکور جز با حرف جر «علی» و «عن»، نشان داده نمی‌شد.

### نتیجه‌گیری

از بررسی نکات نحوی و بلاغی آیات فوق، نتایجی به دست آمد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که:

تاکید معنایی نقش مسندالیهی آخرت، بسیار بیشتر از تأکید معنایی آن در نقش‌های دیگر است. آمدن آخرت در نقش مسندالیهی و نیامدن آن در نقش مسندی دلالت بر تقویت و تأکید معنی آخرت در این کتاب الهی است.



				عند الله ثواب الدنيا و الآخرة ١	خسر الدنيا و الآخرة ١	متاع الحياة الدنيا والآخرة ١	في الحياة الدنيا وفي الآخرة ٣	في الدنيا والآخرة ١٤	معلوف ٢٠
					حرف جر عن ١	حرف جر على ٢	حرف جر باء ٩	حرف جر في ٢٥	مجرور ٣٧

### منابع

- ابن عربی، محیی الدین (٢٠١١م)، **تفسیر ابن عربی**، بیروت- لبنان، دار الاحیاء التراث العربی.
- ابن عاشور، محمد طاهر (١٤٢٠ق)، **تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور**، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
- انصاریان، حسین (١٣٨٣ش)، **ترجمه قرآن کریم**، قم، ناشر اسوه.
- بهجت عبدالواحد، صالح (١٩٩٨م)، **الاعراب المفصل لكتاب الله المرتل**، عمان / دارالفکر.
- التفتازانی، سعد الدین (١٤١١ق)، **مختصر المعانی**، قم، دار الفکر.
- جرجانی، عبدالقاهر (بی تا)، **دلائل الاعجاز فی علم المعانی**، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- خراسانی، علی (١٣٨٦/١١ش)، «آخرت سراي پایداری»، برگرفته از **خبرگزاری بین المللی قرآن**.
- الدرویش، محیی الدین (١٩٩٦م)، **اعراب القرآن الکریم و بیانه**، حمص / سوریه، دار الارشاد.
- الدقر، عبد الغنی (١٩٧٤م)، **معجم النحو**، قم، مکتبه القيام.
- الزمخشری، محمود بن عمر (١٩٤٧م)، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، دار الکتب العربی.
- سید قطب (١٤٢٥ق)، **التصویر الفني فی القرآن**، قاهره، دارالشروق.
- شرتونی، رشید (١٣٦٨ش)، **مبادئ العربیة**، قم، دار العلم.
- الطبرسی، ابو علی الفضل بن الحسن (١٩٩٤م)، **مجمع البیان**، بیروت، دار الفکر.
- طنطاوی، محمد سید (١٩٩٤ق)، **معجم اعراب الفاظ القرآن الکریم**، بیروت، مکتبه لبنان.
- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، **التبیان فی تفسیر القرآن**، مصحح، عاملی احمد مبین، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عبد الباقي، محمد فؤاد (١٩٩٤م)، **المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم**، بیروت، دار المعرفه.

عبد الواحد الشیخلی، بهجت (۱۴۲۲ق-۲۰۰۱م)، *بلاغة القرآن الکریم فی الإعجاز إعراباً و تفسیراً بإيجاز*، عمان، مکتبه دندیس.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق)، *تفسیر الصافی*، مقدمه و تصحیح، اعلمی، حسین، تهران، مکتبه الصدر.

فیضی زینب و مهتدی حسین و فرع شیرازی، سید حیدر (۱۳۹۹ش)، نام نگاشت‌های حیات آخرت در قرآن کریم در پرتو نظریه استعاره مفهومی، *پژوهش‌های ادبی-قرآنی*، سال ۸، ش ۴.

محمد احمد کمال عوض (۱۴۳۹ق)، *مشاهد الآخرة في القرآن الکریم*، *مجلة كلية اصول الدين*، ش ۱۶.

الهاشمی، السید احمد (۱۳۶۸ش)، *جواهر البلاغة*، قم، مؤسسه مطبوعات دینی

#### COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

**ارجاع:** جلیلی زهرا، ابعاد دلالتی نقش‌های نحوی - بلاغی واژه آخرت در قرآن کریم، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۴، شماره ۵۶، زمستان ۱۴۰۲، صفحات ۸۲۷-۸۰۷.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی